

# جراحی دردناک آزادسازی کی تمام می شود؟

ماهیت انحصاری بودن بازار ایران تغییر نکرده است. آنچه اتفاق افتاده

این بوده که تعدادی از انحصارات از دولت به افراد یا گروه های خاص منتقل شده است

ماه گذشته حذف یارانه ها و افزایش قیمت فرآورده های نفتی و آرد (و لابد بعدا سایر کالاها و خدمات) از مهم ترین رویدادها و مباحث اقتصادی بود. مقامی گفت قیمت بنزین باید به لیتری ۱۲۰۰ ریال برسد تا دولت ضرر نکند. سازمان برنامه هم پیشنهاد کرد با حذف کامل یارانه های غیرمستقیم، به هر خانواده ماهی ۶۰ هزار تومان یارانه مستقیم پرداخت شود. (باز هم لابد شبیه برنامه پرداخت یارانه مستقیم مرغ که چند سال پیش اجرا شد، یک ماه یارانه را پرداختند و بعد نپرداختند!)

در چنین اوضاعی، نخست این پرسش مطرح می شود اگر اقداماتی که از سال ۱۳۶۸ تاکنون در زمینه آزادسازی قیمت ها انجام شده و قیمت گوشت را به کیلویی ۲۳۰۰ تومان، مرغ را به کیلویی ۱۳۰۰ تومان، نان لواش ۵ ریالی را به ۱۲۰ ریال، پنیر کیلویی ۸-۷ تومان را به ۹۰۰-۸۰۰ تومان - بنزین لیتری ۱۰ ریال را به ۴۵۰ ریال - شیر لیتری ۱۰ ریال را به ۲۸۰۰ ریال و... رسانده، حذف یارانه نبوده، پس چه بوده است. در شرایط کنونی، فقط سالی چند نوبت کوبن روغن نباتی، قند و شکر و یک تادو نوبت پنیر و برنج اعلام می شود (امسال هنوز برای دو کالای اخیر کوپنی اعلام نشده است). جز اینها آموزش و پرورش و بهداشت رایگان طی این ۱۳ ساله برای

خیلی از مردم دیگر عملا وجود خارجی ندارد. در نهایت، حمایت های اجتماعی به همراه دستمزدها در کشور به حداقل رسیده، اما قیمت ها چند ده برابر و گاه چند صد برابر شده است.

در اوایل دوره نخست ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، مدافعان برنامه آزادسازی و "تعدیل" قیمت ها، در برابر هشدارهایی که از سوی کارشناسان، در زمینه وارد آمدن فشار به طبقات مستضعف سابق و آسیب پذیر کنونی، داده می شد، می گفتند: برای تحقق توسعه اقتصادی، اقتصاد ایران نیاز به یک جراحی دارد. این جراحی دردناک است، اما از انجام آن گریزی نیست.

آن جراحی با قاطعیت کامل اجرا شد، اما این بیمار نه تنها شفا نیافت، بلکه بیمارتر و تزارتر هم شد. اما ظاهرا جراحان اقتصادی ایران هنوز قصد ندارند این بیمار فلک زده را رها کنند و قصد انجام جراحی های جدیدی بر روی آن را دارند!

طراحان و مدافعان برنامه آزادسازی اقتصاد و تعدیل قیمت ها و عده می دادند در زمانی نه چندان دور، اجرای این برنامه ها نه فقط سبب شکوفایی اقتصاد و ایجاد اشتغال خواهد شد، بلکه نوعی عدالت اجتماعی و اقتصادی بی سابقه را که مایه حسرت جهانیان خواهد شد،

در ایران برقرار می کند. شرایطی که از لحاظ عدالت اجتماعی و اقتصادی و فاصله بین فقرا و اغنیاء در ایران کنونی حاکمیت دارد، برای همگان چنان واضح و ملموس است که نیاز به تذکار آن نیست. اما عجب و شگفتا که علی رغم این دستاوردهای منفی، هنوز هم کسانی هستند که از آزادسازی اقتصادی به روش "نئولیبرالیست" ها و ادامه تعدیل قیمت ها دفاع می کنند و نمی اندیشند که عاقبت این کارها به کجا ختم می شود.

برای بررسی کارنامه ۱۳ ساله برنامه آزادسازی اقتصادی و تعدیل قیمت ها و نتایجی که از آن حاصل شده، نگاهی به این کارنامه می اندازیم و نظریات و داوری های سه کارشناس اقتصادی را در این مورد نیز پیش روی خوانندگان گرامی قرار می دهیم.

کابینه دولت آقای هاشمی رفسنجانی که از اواسط سال ۱۳۶۸ فعالیت خویش را آغاز کرد و به کابینه سازندگی مشهور شد دو اقدام اساسی را وجه همت خویش قرار داد. این دو اقدام که مهم ترین تغییر در سیستم اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود، چنانکه در مقدمه هم یادآور شدیم، خصوصی سازی یا کاستن از حجم دولت و واقعی کردن قیمت ها و حذف یارانه از

اقتصاد ایران بود.

درباره خصوصی سازی توضیح داده می شود که این اقدام به ویژه با هدف کاهش حجم دولت و رقابتی کردن اقتصاد ایران انجام شد و لغو ملی کردن بخشی از صنایع که شورای انقلاب به آن رای داده بود، هدف گرفت. در این باره کارشناسان اقتصادی می گویند که رقابتی کردن اقتصاد در واقع به معنای پایین آوردن قیمت های تولید و هزینه های توزیع کالا است و بدین ترتیب می توان به رقم های واقعی قیمت کالاها دست یافت. اما چنانکه روزنامه ایران در تاریخ یازدهم مهرماه سال ۱۳۷۵ نوشت حدود نیمی از ۲۲۲ شرکت و اگذار شده به بخش خصوصی، غیر تولیدی بوده است. این رقم که ۷۱ درصد از شرکت های تحت پوشش سازمان صنایع ملی را در بر می گرفت، باعث شد که میزان شرکت های تولیدی تحت پوشش سازمان صنایع ملی از ۵۲ درصد به حدود ۶۰ درصد افزایش یابد. این افزایش خود نشان گر آن است که بیشتر شرکت های و اگذار شده به بخش خصوصی، غیرتولیدی بوده اند.

همین روزنامه می نویسد: در حالی که میانگین هزینه صرف شده برای هر یک از طرح ها و شرکت های و اگذار شده حدود ۲۵ میلیارد ریال

بوده، میانگین بهای دریافتی از بخش خصوصی برای هر طرح به ۵/۸ میلیارد ریال بالغ شده است. موضوع جالب تر این که تنها حدود ۱۳ درصد از شرکت های به فروش رفته از طریق مزایده به بخش خصوصی واگذار گردید و برای واگذاری قریب به ۸۷ درصد از این طرح ها و شرکت ها، از راه هایی هم چون مذاکره و... استفاده شد.

افزون بر این، آنچه که دست درکاران و مسوولان کنونی کشور آن را رانت های اقتصادی می نامند از مهم ترین علل ناکامی دولت در اجرای صحیح طرح خصوصی سازی ذکر شده است. در این باره اضافه می شود که وجود عوامل پیدا و پنهان در اقتصاد کشورمان که بر اثر وابستگی به نهاد یا فردی قدرتمند، توان تاثیرگذاری بر اقتصاد کشور یافته اند، خصوصی سازی را جهت دار کرد و مانع از رقابتی شدن اقتصاد در کشور شد.

به دیگر سخن، رانت های اقتصادی، انحصار کالاها را از دولت به برخی عناصر شناخته شده منتقل کرد و بنابراین ماهیت انحصاری بودن بازار ایران تغییر نیافت. در این باره دکتر ابراهیم رزاقی استاد دانشگاه تهران ضمن تایید انحصاری بودن بازار در ایران می گوید: "انحصاری بودن برخی کالاها و خدمات، مانع از انطباق تئوری دست

نامرئی آدام اسمیت بر اقتصاد و بازار ایران شده است."

اما ملموس ترین اقدام دولت سازندگی بر اقتصاد اجتماعی ایران، حذف یارانه ها به بهانه واقعی کردن قیمت ها بوده است. در این باره برخی منتقدان حرکت حذف یارانه های گویند که این اقدام در واقع تحت تاثیر نسخه ها و دستورهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام شد و بنابراین چندان منطبق بر ملاحظات و نیازهای اقتصاد اجتماعی ایران نبوده است. این منتقدان با توجه به بروز تورم فزاینده در کشور و ایجاد شکاف اقتصادی در میان اقشار جامعه، سیاست حذف یارانه ها را سیاستی نادرست قلمداد کرده و ابراز عقیده می کنند که پرداخت یارانه و حمایت از اقشار آسیب پذیر، به عنوان اصلی ترین راه ایجاد عدالت اجتماعی در یک جامعه، از وظایف مهم دولت های مدرن امروز به شمار می رود.

در مقابل، موافقان سیاست های تعدیل قیمت ها و حذف یارانه های گویند که اجرای این طرح از دامنه فقر کاسته و با ایجاد رونق بیشتر در بازار، سطح عمومی زندگی در ایران را افزایش داده است و بر این اساس، سبب بهبود توزیع درآمد ها شده است. دکتر میرزاده ربیس وقت سازمان برنامه و

ردیف	نام خانوادگی	تاریخ تولد	محل تولد	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت
۱-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
۲-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
۳-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...

جدول یک - توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی

ردیف	نام خانوادگی	تاریخ تولد	محل تولد	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت	محل خدمت
۱-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
۲-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
۳-	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...

تمامی این سال ها، چیزی حدود ۲ میلیون تن ضایعات نان داشته‌ایم.

آقای فردنیاسپس با طرح این پرسش که اگر چنین مساله‌ای را در مورد نان که غذای اکثر اقشار جامعه، است بپذیریم آیا می‌توان این مساله را در مورد بنزین پذیرفت؟، ادامه می‌دهد: "به نظر من روستاییان تقریباً به هیچ وجه مصرف مستقیم بنزین ندارند و یا در حداقل از این کالا استفاده می‌کنند در حالی که ما مثلاً در شهر تهران ماشین‌های هشت سیلندر و پرمصرف کم نداریم، هر چند ما یک گروه مسافرکش داریم که از اقشار کم درآمد جامعه هستند، ولی حتی این گروه هم که خودرو دارند، وضع شان بهتر از آن گروهی است که این خودرو را ندارند. بنابراین در مورد بنزین هیچ تردیدی نداریم که گروه‌های کم درآمد از یارانه آن هیچ نصیبی نمی‌برند."

از سوی دیگر، هر چند عده‌ای از مقامات دولتی، هدف از واقعی کردن و افزایش سطح قیمت‌ها را کاهش و بهبود الگوی مصرف ذکر می‌کنند و برخی کارشناسان هم هدف دولت از واقعی کردن قیمت‌ها را تمایل آن به افزایش درآمد خویش می‌دانند، اما دکتر عباسی نژاد می‌گوید: "اصلاً این دیدگاه‌ها درست نیست و کسانی که این ادعاها را مطرح می‌کنند خودشان متوجه نیستند چیزی که در اقتصاد مطرح است این است که قیمت‌ها باید واقعی باشد تا منابع دولت تخصیص پیدا کند، لذا هدف‌های دیگر منطقی نیست."

وی با طرح مثالی درباره نقش واقعی کردن قیمت بر الگوی مصرف نان و کاهش میزان اسراف آن، می‌گوید: "در صورت واقعی بودن قیمت، اگر هدف، بهبود الگوی مصرف باشد، به آن دست پیدا می‌کنیم، اگر تخصیص منابع تولید را در هدف داشته باشیم، به آن هم دست می‌یابیم و اگر درآمدزایی برای دولت هدف باشد، از این راه کسری بودجه دولت جبران می‌شود و همه اینها همزمان اتفاق می‌افتد."

اما آقای فردنیاسپس معتقد است افزایش قیمت یک کالا لزوماً به کاهش مصرف یا بهبود الگوی آن نمی‌انجامد. وی در این باره می‌گوید: "هر چند قیمت موثرترین و کارآترین اهرم و برای یک اقتصاد غیر رقابتی ساده‌ترین روش برای درست مصرف کردن است، اما تمام قضیه این نیست. واقعا ما باید بر روی آموزش و اصلاح الگوی مصرف کار می‌کردیم، اصلاح الگوی مصرف کار ساده‌ای

که قیمت ساخت این دستگاه از مشابه خارجی اش ارزان تر است - به کیفیت آن کاری ندارم - این حرف درست نیست، چون ما نباید دلار را ۱۷۵۰ ریال محاسبه بکنیم. باید ارز را به قیمت واقعی آن، هر قدر که باشد محاسبه بکنیم و ببینیم که آیا قیمت ساخت این دستگاه از مشابه خارجی ارزان تر می‌شود یا خیر."

### واقعی کردن قیمت‌ها یا...؟

اما برخی کارشناسان معتقدند در حالی که کاهش قیمت‌ها به نفع مصرف‌کننده است و به ویژه برای افراد کم درآمد و ضعیف یارانه اهرمی است مثبت، باید به این نکته توجه کرد که آیا اعطای این کمک‌ها همیشه امکان‌پذیر است؟ و آیا پرداخت این کمک‌ها از محل درآمد نفت روش صحیحی محسوب می‌شود؟ آقای فرهنگ فردنیاسپس کارشناس اقتصادی و روزنامه‌نگار در این باره می‌گوید: "پرداخت یارانه که در اقتصاد به آن پرداخت‌های انتقالی می‌گویند، پولی است که به وسیله دولت به خانوارهای فقیر منتقل می‌شود تا کالاها و خدمات با قیمت‌های ارزان‌تری به دست این خانوارها برسد. طبیعی است که دولت برای این پرداخت‌ها باید منابعی در اختیار داشته باشد که تقریباً از روزی که پرداخت یارانه در اقتصاد ما شروع شد، از محل درآمدهای نفتی پرداخت شده است."

وی سپس با بیان اینکه ناکارآمدی نظام مالیاتی در ایران دولت را مجبور کرده که از محل فروش نفت این پرداخت‌ها را تأمین کند، می‌افزاید: "ظاهراً در کشورمان در این مورد که نفت یک ثروت زیرزمینی است که به نسل‌های آینده تعلق دارد و نباید صرف مصرف روزمره شود، مخالفتی وجود ندارد. آقای فردنیاسپس درباره تأکید نهاد‌های بین‌المللی پولی - اقتصادی بر واقعی کردن قیمت‌ها، توضیح می‌دهد: "بانک جهانی و به ویژه صندوق بین‌المللی پول دنبال این هستند که قیمت کالاها و خدمات واقعی باشد، برای تولیدکننده و مصرف‌کننده علامت‌های واقعی بدهد... ما در کشورمان برخی چیزها را با زحمت کمی عرضه می‌کنیم یعنی اجازه می‌دهیم که مصرف‌کنندگان کالا با زحمت کمی آن را صاحب شوند مثل نان، مثل دارو، مثل سوخت و... در برخی زمینه‌ها مثل نان می‌گوییم این تعهدی است که دولت در قبال مردمش دارد که آنها را از حداقل غذا محروم نسازد. بنابراین نان باید به قیمت خیلی ارزان و به وفور در اختیار مردم قرار گیرد. نتیجه این قضیه این بوده است که گفته می‌شود در

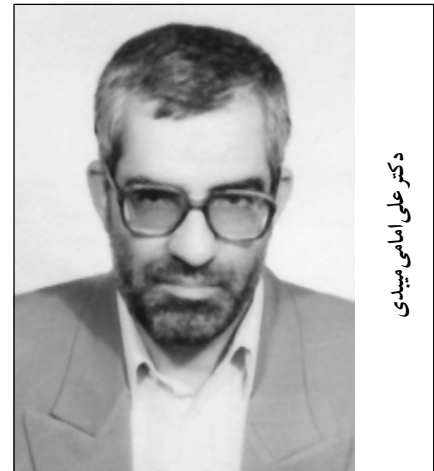
بودجه در مصاحبه‌ای که در شماره ۲۷۸ (مهرماه ۱۳۷۵) مجله امید انقلاب چاپ شد، ضمن ارائه جداول درآمد دهک‌های مختلف جامعه ایران (جدول یک) گفته است: در جامعه شهری سهم دو دهک اول از ۲/۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۴/۹ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده و در جامعه روستایی نیز سهم دو دهک اول از ۲/۹ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۳/۴ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده است.

وی سپس از کاهش فاصله اقتصادی میان دو دهک بالا دست و پایین دست جامعه ایران چنین نتیجه می‌گیرد که از اختلاف طبقاتی به میزان قابل توجهی کاسته شده است. البته ایشان در این باره توضیح نمی‌دهد که چگونه طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به جز دهک‌های اول و آخر، دیگر دهک‌های جوامع شهری و روستایی با کاهش درآمد روبه‌رو بوده‌اند و چطور میزان درآمد ثروتمندترین قشر جامعه‌های شهری و روستایی در همین حال، تقریباً بین دو تا شش درصد رشد داشته است؟

اما گذشته از این مسایل، عمده اندیشمندان اقتصادی می‌گویند که در یک ساختار اقتصادی صحیح، حذف یارانه‌ها به دلیل آنکه قیمت‌ها را واقعی می‌کند، کارکرد مثبتی دارد. در این باره آقای دکتر علی امامی میبیدی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: "در اقتصاد، هدف اساسی این است که منابع به صورت بهینه تخصیص پیدا کند، یعنی اقتصادی در مسیر رشد و توسعه گام برمی‌دارد که منابع به طور بهینه تخصیص پیدا کند. فرقی هم نمی‌کند که این منابع انرژی باشد یا منابع دیگر. قیمت‌های صحیح عاملی است که باعث می‌شود تخصیص منابع به طور بهینه صورت بگیرد. اگر ما یارانه بدهیم در حقیقت قیمت‌ها را خراب کرده‌ایم، یعنی قیمت‌ها نمی‌توانند نقش واقعی شان را ایفا بکنند. یعنی داریم به اقتصاد جهت می‌دهیم و باعث می‌شویم که تخصیص بهینه منابع مختل شود این بدان معنی است که اقتصاد نتواند وظیفه اش را انجام بدهد. پس یارانه چیز خوبی نیست."

در همین باره دکتر حسین عباسی نژاد استاد دانشگاه تهران ضمن تأیید لزوم حذف یارانه‌ها درباره علت این لزوم توضیح می‌دهد: "ما در محاسبات مان وقتی برآورد هزینه می‌کنیم، اگر درست قیمت بدهیم در نتیجه محاسباتمان واقعی است و سودش نیز واقعی است. مثلاً ما اگر دستگاهی را با دلار ۱۷۵۰ ریال بسازیم و بعد بگوییم

نیست و نمی توان گفت با بالا بردن قیمت موضوع حل می شود. اگر چنین بود، می شد گروه های عظیمی از مردم را از مصرف برخی چیزها محروم



دکتر علی امامی مبدی

کرد و گفت که الگوی مصرف بهبود یافته است. مثلاً ما می خواستیم که در کشورمان کنترل جمعیت

می گویند که قیمت واقعی کالا در حقیقت عبارتست از قیمت تمام شده آن در یک اقتصاد رقابتی و غیرانحصاری. همین کارشناسان اضافه می کنند به دلیل آنکه ایران از وجود یک اقتصاد غیررقابتی رنج می برد، اعلام نرخ تمام شده تولید کالا، در واقع نرخ حقیقی آن کالا نیست.

آقای دکتر امامی مبدی در این باره توضیح می دهد: "اینکه برخی مسوولان می گویند ما باید به اندازه هزینه های تولید [یک کالا]، پول پرداخت کنیم، این در ایران عملی نیست. در کشورهای پیشرفته، چون تولید براساس اصول اقتصادی است، این استدلال درست است، زیرا آن هزینه، هزینه واقعی است اما چون در ایران عدم کارایی زیاد است، این هزینه، هزینه واقعی نیست. چون بخشی از آن، هزینه عدم کارایی مدیران یا بخش های دیگر است که به مصرف کننده تحمیل می شود.

آقای فردنیا نیز مثالی را درباره قیمت هایی که تحت عنوان قیمت واقعی بنزین از سوی مقامات

را اجرا کنیم الان هم موقعیت درخشانی داریم، پانزده سال اخیر نرخ رشد جمعیت کشورمان کاهش یافته و به کمتر از نصف رسیده است ولی آیا این، ناشی از اجرای برنامه کنترل جمعیت بوده یا شرایط زندگی و اقتصاد، آدم ها را به این صرافت انداخته که ازدواج کردن و بچه دار شدن سخت است؟ مسکن و... هزینه های فرزند و مانند آن سخت است! البته اشکال ندارد، یک راه آن هم همین است. یعنی ما باید متوجه شویم که زندگی هزینه دارد و مجانی نیست، اما آیا می توان به این ترتیب یک عده از مردم را از یک سری حقوق طبیعی شان محروم کرد؟"

اما واقعی شدن قیمت به چه معنی است؟ در حالی که کارگزاران اقتصادی دولت برای اعلام قیمت های واقعی کالاها به مقایسه قیمت هر کالا در ایران با قیمت آن در دیگر کشورها روی آورده و یا قیمت جهانی کالاها را ملاک برقراری قیمت ها در ایران ذکر می کنند، کارشناسان اقتصادی

## قیمت های واقعی و دستمزدهای واقعی در آمریکا

۷۹ سنت	- لپه یک پوند
۵۹ سنت	- عدس یک پوند
۱۰۹ دلار	- نان ماشینی کارخانه در بسته ۲۸۰ گرمی
۸۰ دلار	- نان تازه تنوری (حجیم) ۵۲۰ گرم
استیک سیرالئون (گوشت خالص مغز آن گوساله گران ترین گوشت در آمریکا محسوب می شود) هر پوند ۲/۵ دلار	
۸۹ سنت	- استیک معمولی موسوم به "چات استیک" هر پوند
یک دلار و ۲۰ سنت	- گوشت خورشتی بدون استخوان و چربی، هر پوند
۹۹ سنت	- گوشت سینه مرغ هر پوند
۴۵ تا ۵۰ سنت	- ران مرغ هر پوند

(توضیح این که قیمت های فوق مربوط به فروشگاه های زنجیره ای بزرگ است. این قیمت ها در مغازه های معمولی که به اصطلاح مابقالی نامیده می شود، حداقل سی درصد کمتر است.)

در مورد کرایه مسکن نیز خلاصه گزارشی را که روزی و یکم مرداد سال جاری در یکی از معتبرترین روزنامه های آمریکا چاپ شده است، ذیلاً و بدون هیچ تغییری ذکر می کنیم.

"روزنامه یو.اس.ای. تودی" باارایه نموداری ۳۴ درصد مردم آمریکا ماهانه ۵۰۰ تا ۷۴۹ دلار اجاره بها پرداخت می کنند. ۱۸ درصد مردم ۷۵۰ تا ۹۹۹ دلار اجاره بها پرداخت کرده و ۱۲ درصد مردم آمریکا ماهانه از یک هزار دلار به بالا اجاره مسکن می پردازند. ۲۲ درصد مردم ۳۰۰ تا ۴۹۹ دلار، ۹ درصد ۳۰۰ دلار بابت اجاره بها پرداخت کرده و پنج درصد هیچ پول نقدی بابت اجاره بها می منزل خود پرداخت نمی کنند. نمودار آرایه شده مربوط به ایالت های آمریکا به استثنای ایالت نیویورک می باشد، اجاره بها و هزینه زندگی در نیویورک بیش از یک برابر و نیم سایر نقاط آمریکا است. متوسط درآمد هر خانوار ۳ نفره آمریکایی حدود ۹ هزار دلار در ماه است"

در دفاع از حذف یارانه ها و لزوم واقعی کردن قیمت ها، دولت مردان مابه قیمت های مشابه در سایر کشورها استناد می کنند. اما آنها نمی گویند درآمدها و دستمزدها در این کشورها به چه میزانی است. به عبارت واضح تر، آنها از روی قصد، تناسب میان دستمزدها و قیمت ها در کشورهای مختلف را نادیده می گیرند و مسکوت می گذارند. ما از یکی از همکاران خود در آمریکا خواستیم حداقل دستمزدها و قیمت چند کالای مصرفی را برآیمان تهیه و ارسال کند. آنچه در زیر آمده، حاصل این درخواست است.

من آمار و اطلاعات زیر را روز ۱۶ اوت ۲۰۰۲ (۲۵ مرداد ۱۳۸۰) تهیه کرده ام. آمار و اطلاعات مربوط به جنوب کالیفرنیا (منطقه لس آنجلس) است که ذکر چند نکته را الزامی می کند.

۱- این منطقه یکی از مرفه ترین مناطق آمریکاست و لذا کالاها قیمت های بالاتری دارند. قیمت هایی که در زیر آرایه کرده ام در ایالات دیگر مخصوصاً در ایالات مرکزی تا حدود سی درصد کمتر است.

۲- کارگران و کارمندان این منطقه اتحادیه (یونیون) دارند و لذا دستمزدها و امکانات شغلی آنها تضمین شده است.

۳- در حال حاضر، حداقل دستمزد (برای کارگر عادی و غیر ماهر) ساعتی ۵ دلار و ۲۰ سنت است، یعنی برای ۸ ساعت کار روزانه ۴۱/۶ دلار که به پول ما تقریباً می شود ۳۳۲۰۰ تومان دریافت می کند. اگر این کارگر ماهی ۲۵ روز کار کند (در تعطیلات مزد نگیرد) درآمد ماهانه او ۷۳۰ هزار تومان (با قدرت خریدار ایران) خواهد بود. برای پی بردن به سطوح دستمزدها و مشاغل دیگر فقط اشاره می کنم یک صندوق قدر ساعتی ۱۶ دلار دریافت می کند.

### حالا به قیمت چند کالا توجه کنید:

۵ دلار	- برنج مرغوب در بسته ده پوندی (۴/۵ کیلو)
۱ دلار	- لوبیا قرمز در بسته یک پوندی (۴۵۰ گرم)
۱ دلار	- نخود یک پوند



اقتصادی دولت ارایه می‌شود، ذکر و ابراز عقیده می‌کند: "پالایشگاه‌های ما تا به حال انحصاری بوده است. آیا این قیمت تمام شده‌ای که برای بنزین ذکر می‌کنند، واقعا قیمت نهایی این کالا است؟ آیا مثلا قیمت تمام شده بنزین در پالایشگاه‌های عربستان هم همین اندازه است؟ ما این رانمی‌دانیم، برای اینکه اقتصادمان رقابتی نبوده است و نتوانسته ایم کالاها را با کمترین حاشیه سود عرضه کنیم. متاسفانه ما این واقعیت‌ها را نمی‌دانیم و تا آنجا که من اطلاع دارم نیز مطالعاتی جدی در این باره صورت نگرفته است."

در عین حال، رقابتی نبودن که یکی از علل بیماری اقتصاد کشورمان است، نه تنها دست‌یابی به قیمت واقعی را ناممکن می‌سازد، بلکه ضربه‌هایی دیگر نیز به مصرف‌کننده وارد می‌کند؛ چنانکه حتی انتخاب او را محدود می‌سازد و امکان برگزیدن کالاهای بهتر با قیمت مناسب‌تر را از او می‌ستاند.

در این باره دکتر امامی‌می‌گوید: "یکی از ویژگی‌های اقتصاد جهانی آن است که مصرف‌کننده حق انتخاب داشته باشد، هر چه در جامعه حق انتخاب مصرف‌کننده بیشتر باشد، منعکس‌کننده رفاه آن جامعه است. ما هر چه محدود کنیم و حق انتخاب را به دست تولیدکننده بدهیم، این بدان معنی است که تولیدکننده منافع خودش را به مصرف‌کننده تحمیل می‌نماید یعنی در حق مصرف‌کننده ظلم می‌شود."

در این میان، تمامی آگاهان اقتصادی بر این باورند که حتی اگر، قیمت‌های واقعی کالاها در اقتصاد ایران بر اساس ضوابط و معیارهای صحیح تعیین شود، حذف یارانه‌ها و واقعی کردن قیمت‌ها، به تشدید تورم در جامعه می‌انجامد. در این باره به ویژه مهم‌ترین نکته آن است که در یک اقتصاد تورمی، ثروتمندان به دلیل رشد جهشی سرمایه‌های ثابت و غیر ثابت خویش (مانند خودرو، مسکن، طلا، دلار و...) ثروتمندتر و اقشار فقیر حتی در صورت افزایش مبلغ دستمزد، به دلیل کاهش ارزش واقعی پول، فقیرتر می‌شوند.

در چنین شرایطی و در حالی که برابر آمارهای ارایه شده نسبت به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۸ متوسط هزینه سبد خوراکی خانوارهای شهری حدود ۲۰۰ برابر و متوسط هزینه سبد خدمات خانوارهای شهری بیش از ۸۰ برابر افزایش داشته، مهم‌ترین پرسش این است که در صورت تصمیم

برای واقعی کردن قیمت‌ها، تورم فزاینده در کشور چگونه مهار خواهد شد؟ این تورم که اثرات مشهودی مانند چند شغله کردن مردم ضعیف، کراهت سرمایه‌داران از سرمایه‌گذاری در صنایع، رشد بخش دلالی و مشاغل واسطه‌ای، کاهش شدید ارزش پول، گران شدن مضاعف کالاها و محصولات خارجی، کاهش قدرت خرید مردم، ایجاد زمینه برای رشد پدیده‌های فساد اقتصادی مانند قاچاق، رشوه و... داشته و دارد، تهدیدی جدی برای جامعه ما به شمار می‌رود.

آقای دکتر عباسی نژاد در تحلیل چگونگی پیدایش و تاثیر تورم ناشی از واقعی شدن قیمت‌ها، می‌گوید: "مسئله با حذف شدن یارانه‌ها، شکاف طبقاتی بیشتر می‌شود. متاسفانه زمان از دست رفته است، ما یک دوره در سال‌های ۷۱ و ۷۲ قیمت‌های ارز را بالا بردیم ولی دوام نیاورد. این توقف ناشی از مدیریت اقتصادی نبود بلکه به لحاظ مدیریت امنیتی - اجتماعی از آن تصمیم برگشت شد. یعنی احساس شد که یک قشر آسیب می‌بینند. ولی به نظر من به جای اینکه زیان‌های آن قشر آسیب‌پذیر جبران شود - من روی جبران برای این قشر تاکید می‌کنم - کل طرح و صورت مسئله را پاک کردیم."

آقای فردنیا هم با توضیح خطرات این تورم فزاینده، ابراز عقیده می‌کند: اگر نمی‌توانیم به مردم خدمات خوبی ارایه کنیم، حق دست‌زدن به یارانه‌ها را نداریم."

دکتر امامی‌می‌بیدی نیز که بی‌کاری و تورم رادو عارضه دردناک اقتصاد هر کشور توصیف می‌کند، حذف یارانه‌ها از اقتصاد ایران را علی‌رغم بار تورمی آن، گریزناپذیر می‌داند و در بیان مکانیزم حذف یارانه‌ها می‌گوید: "باید دنبال این راه باشیم که چگونه می‌توان این یارانه‌ها را حذف کرد بدون آنکه باعث تورم قیمت‌ها شود و مشکل دیگری پدید نیاید. چون حذف یارانه مستلزم تورم است و همانطور که می‌دانید تورم غنی‌را غنی‌تر و فقیر را فقیرتر می‌کند و باعث عدم توزیع مناسب درآمدها می‌شود، یعنی به بروز اختلاف طبقاتی می‌انجامد. هم چنین تورم بر توسعه اقتصادی و تجارت هم تاثیر سوء دارد یعنی بر روی تمامی عوامل تاثیرگذار است. برای همین هم هست که دولت‌ها برنامه‌های اساسی خود را بر روی کاهش تورم و بی‌کاری متمرکز می‌سازند."

اکنون به نظر می‌رسد آن‌رو که حذف یارانه‌ها

و واقعی کردن قیمت‌ها لازمه یک اقتصاد پویا و روبه‌رشد است، اتخاذ چنین تصمیمی در کشورمان گریزناپذیر باشد و چون حتی در بهترین حالات که قیمت‌های واقعی بر اساس معیارهای اقتصاد رقابتی (و نه انحصاری) تعیین می‌شود، اثر تورمی آن قابل ملاحظه است، در محافل اقتصادی همواره این سوال مطرح بوده و هست که چگونه می‌توان از بروز یک تورم لجام‌گسیخته جلوگیری کرد و با مهار تورم، قشر پایین دست جامعه را از سقوط به فقر مطلق نجات داد. این امر که سرانجام به کاهش سطح اختلاف طبقاتی در جامعه می‌انجامد، عدالت اجتماعی را در کشور نهادینه می‌سازد.

در این باره توضیح داده می‌شود که عدالت



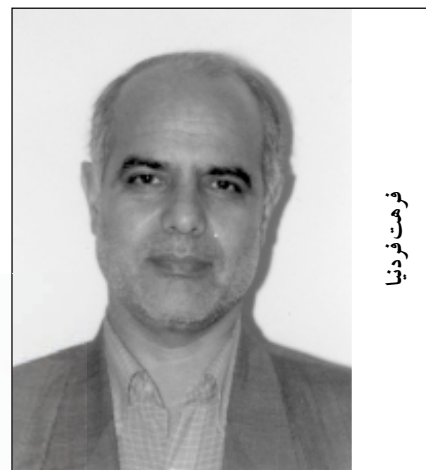
دکتر عباسی نژاد

اجتماعی که به ایجاد امکانات اولیه و فرصت‌های یکسان برای تمامی اقشار جامعه تعریف می‌شود، همواره از وظایف اصلی و تعهدات انکارناپذیر دولت‌ها در تمامی جوامع بوده است و از این رو نیل به عدالت اجتماعی از وظایف - و نه خدمات - دولت‌ها به شمار می‌رود.

بر این اساس به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به ایجاد ساز و کار مناسب برای تامین عدالت اجتماعی و کاستن از بار تورمی ناشی از واقعی کردن قیمت‌هاست. اما انجام چنین فعالیتی مستلزم پرداخت هزینه است و چنانچه این هزینه‌ها به صورت‌های پیشین پرداخت شود، نه تنها مشکل یارانه‌ها و غیر واقعی شدن قیمت‌ها را حل نخواهد کرد بلکه احتمالا این عارضه‌ای که عامل به هم ریختگی اقتصادی است، تعمیق خواهد شد.

آقای فردنیا در همین رابطه ضمن ارایه تعریف عدالت اجتماعی و مکانیزم ایجاد آن می‌گوید: "به نظر من عدالت اجتماعی آن است که همه افراد به طور

یکسان امکان برخوردار شدن از فرصت‌ها را داشته باشند و بهره‌مند شدن از آن در اثر تلاش خودشان باشد. منتها آن امکانات پایه‌ای و اقداماتی مانند تحصیل، آموزش، حق انتخاب شغل و... همانطور که در قانون اساسی نیز هست، باید برای همه یکسان باشد. حال اگر ما بتوانیم از امکانات و ابزارهایمان خوب استفاده بکنیم، حذف یارانه‌ها می‌تواند به پیدایش عدالت اجتماعی - با تعریفی که گفتیم - بینجامد."



مهدی کربویی

وی با بیان اینکه با توجه به نابسامانی اوضاع مالیاتی کشور برای پرداخت این هزینه‌ها - هزینه کمک به اقشار کم درآمد - نمی‌توان به درآمد مالیاتی متکی بود، با بیان مثالی در مورد افزایش قیمت بنزین و چگونگی امکان مهار بار تورمی آن می‌گوید: "مثلاً حذف یارانه بنزین می‌تواند کمکی برای ایجاد تعادل درآمدی بیشتر در جامعه باشد اما برای اینکه از تبعات آن جلوگیری کنیم و تبعات تورمی آن را مهار کنیم باید وسایل حمل و نقل عمومی به خوبی ساماندهی شود. مامی توانیم با حذف یارانه بنزین، وسایل حمل و نقل عمومی را دو، سه یا حتی چهار برابر بکنیم تا گروه‌های کم درآمد جامعه متضرر نشوند و حتی گروه‌های پردرآمد جامعه نیز به جای استفاده از وسایل شخصی از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند. البته در حذف یارانه‌ها، زمان حذف، روش‌های آن و... نکاتی است که توجه به آنها می‌تواند به انجام صحیح این اقدام بینجامد."

اماتسهیل استفاده از گزینه‌های رقیب برای یک کالا، تنها راه کاستن از بار تورمی واقعی کردن قیمت‌ها نیست و چنانکه دکتر عباس نژاد می‌گوید بیش از اعطای کمک به قشر نیازمند، طراحی شیوه اعطای صحیح کمک‌ها الزامی است. او می‌گوید:

"قدری مشکل است که نیازمند واقعی تشخیص داده شود، چون به محض اینکه گفته می‌شود که نیازمندان واقعی مراجعه کنند، عده زیاد دیگری خودشان را به عنوان نیازمند جا خواهند زد. باید روی آن کار عملی شود. ما حداقل می‌توانیم کمبودهای کارمندان دولت را جبران کنیم. کارمندان دولت قشر مشخص شناسنامه‌داری هستند که آسیب اجتماعی می‌بینند، اما الان نه وضع معیشتی این‌ها جبران شده و نه سیاست شفاف‌سازی قیمت‌ها اعمال شده است. آیا الان که قیمت‌ها شفاف و واقعی نیست، اقشار آسیب‌پذیر جامعه راضی هستند؟! خیر راضی نیستند. می‌شود آن‌ها را درست را انجام داد و نه این‌هم پرداخت."

وی درباره منبع تامین این کمک‌ها ابراز عقیده می‌کند: "مسلمی یکی از اهداف مالیات گرفتن، تجدید درآمد است. هزینه‌های این کمک‌ها را می‌شود از درآمدهای دولت تامین کرد، می‌توان از مالیات تامین کرد و یا از منابع دیگر."

در عین حال، برخی کارشناسان معقدند که کاستن از بار تورمی واقعی کردن قیمت‌ها و مهار تورم تنها از یک راه امکان‌پذیر نیست بلکه با توجه به نیازمندی‌های هر گروه اجتماعی، می‌باید تمهیدی مناسب برای رفع مشکلات آن قشر اندیشیده شود. آقای دکتر امامی میبیدی در این باره می‌گوید: "ابتدا باید افرادی که نیازمند کمک هستند، طبقه‌بندی شوند، برای یک عده‌ای باید اشتغال ایجاد کرد و یا حقوق و دستمزد آنها را افزایش داد. چون بدین طریق، قدرت خرید آنها افزایش پیدا خواهد کرد. کسانی هم که توانایی کار ندارند، باید از بیت‌المال به آنها کمک کرد. به نظر من، ابتدا باید تقسیم‌بندی دقیقی در مورد افراد نیازمند به کمک به وجود آورد و سپس به آنها کمک کرد."

وی در مورد منبع تامین هزینه این افزایش دستمزد و حقوق و یا کمک به افراد ناتوان می‌گوید: اگر بتوان قیمت‌ها را واقعی و یارانه‌ها را، که همه افراد جامعه و حتی ثروتمندان نیز از آن استفاده می‌کنند، حذف کرد، درآمدی نصیب دولت می‌شود. چون آن طبقه مرفه که پرداخت می‌کنند و مشکلی برایشان نیست به آن طبقه‌ای که از این بابت صدمه می‌خورند، نیز از بابت همین درآمدها کمک می‌شود، یعنی اعتبار این کمک‌ها از محل همین افزایش درآمدهاست که بدین ترتیب به بیت‌المال نیز لطمه نمی‌خورد."

**کلام آخر:**

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران به هم ریختگی شدیدی وجود دارد؛ از سویی وجود رانت‌های گوناگون این باور را در میان گروهی از مردم به وجود آورده که بدون تحمل زحمت و صرف اندیشه و هزینه با نزدیک شدن به برخی شخصیت‌ها و نهادهای قدرتمند، می‌توان به ثروت‌های بادآورده‌ای دست یافت و از سوی دیگر، وجود تورم لجام‌گسیخته در سال‌های پیشین عده‌ای را به

## وقتی رانت‌خواری وجود دارد، عدم

## کارایی افراد و سازمان‌ها قیمت

## تولید را بالا می‌برد و از بخش تولید

## صدها نوع عوارض و مالیات دریافت

## می‌شود، چگونه می‌توان قیمت واقعی

## "تولید" را استخراج و براساس آن

## نرخ‌گذاری کرد؟

ثروت کلانی رسانیده است. افزون بر این، در حالی که بسیاری از یارانه‌های کالاهای اساسی حذف شده و یا به حداقل ممکن کاهش یافته است، برخی مدیران دولت در بخش صنایع یا اقتصاد کشور هنوز هم عدم‌کارایی مجموعه‌ها و نیز ناکارآمدی مدیریت خویش را در پشت پرداخت یارانه‌ها و غیر واقعی بودن قیمت‌ها پنهان می‌سازند و بدین ترتیب به گونه‌ای غیرمستقیم اقشار مردم را عامل ناکارآمدی خویش برمی‌شمارند.

هم‌چنین دخالت برخی نهادهای غیراقتصادی (مانند برخی نهادهای فرهنگی و...) در فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی، بازیگران صحنه اقتصاد کشور را گسترده و تصمیم‌گیری برای هدایت اقتصادی کشور را تا حد غیرممکن و یا دشوار ساخته است. به ویژه آنکه این نهادها که گاه سهم بزرگی از قدرت سیاسی را نیز در اختیار دارند، در مواردی قواعد خود را بر قواعد اقتصادی کشور تحمیل کرده و آن‌ها را در جهت تامین هر چه بیشتر منافع خویش تغییر داده‌اند.

در این شرایط وضعیت دریافت مالیات در کشور نیز جالب توجه است؛ در حالی که اقشار

اما در پاسخ به این پرسش که با وجود شرایط حاکم بر اقتصاد کشورمان و هم چنین اختلالات مدیریتی موجود، آیا تحولات فوق به وقوع خواهد پیوست، باید گفت تا هنگامی که امکان نظارت بر فعالیت های قدرتمندان جامعه از افکار عمومی ستانیده شود و فعالیت مطبوعات مستقل که چشمان آگاه و مسوول جامعه هستند، تهدید و تحدید شود، گذر از شرایط کنونی و تحقق یک اقتصاد مسوول و کارآمد، امری دشوار می نمایاند.

**نادر کریمی جونی**

در این میان، مهم ترین پرسش این است که در چنین شرایطی راه گریز از بحران چیست؟ ناظران امور ایران معتقدند که مبارزه منطقی با تروریست های اقتصادی و رانت خواران و بازیابی ارزش کار و فعالیت، نخستین پیش شرط برای ساماندهی اقتصادی ایران است که در ادامه آن بهبود وضعیت اخذ مالیات به ویژه از نهادها و اشخاص قدرتمند اقتصادی، حذف یارانه ها و حمایت عملی از اقشار پایین دست جامعه قرار می گیرد.

کم درآمد نظیر کارمندان دولت و کارگران مجامع تولیدی تقریباً صد درصد مالیات درآمد ثابت خود را می پردازند، بسیاری از بازرگانان و تجار ثروتمند و هم چنین برخی نهادهای قدرتمند کشور، تقریباً به طور کامل از پرداخت مالیات سرباز زده و خزانه دولت را از درآمد هنگفتی محروم ساخته اند. در همین حال، درگیری های سیاسی و استفاده های سیاسی - جناحی از ابزار اقتصادی، مشکلات را چند برابر کرده و اعتماد متقابل را در میان دست اندرکاران صحنه های سیاست و اقتصاد به حداقل ممکن کاهش داده است.

